گفته های یک رفاقت ۲۷ ساله می گوید:

احمدی نژاد ۹۰

بود که نه، من اختیار ادغام را دارم و آن را انجام می‌دهم، لازم نیست وزیرم بیاید و رأی اعتماد بگیرد و حداکثر مجلس بعداً بنشیند شرح وظائف وزارت‌خانه جدید را بنویسد. این منجر به یک‌سری تعابیر و تفسیر از طرف رئیس‌مجلس از شورای محترم نگهبان شد. شورای محترم نگهبان هم پاسخ دادند که درباره نام وزارت‌خانه، مأموریت‌ها، شرح وظائف و وزیر جدید آن مجلس باید نظر بدهد. همان‌طور که اشاره کردید اثر فوری تصمیمی که آقای رئیس‌جمهور گرفتند، این بود که سه تا از وزرای کابینه کنار رفتند. عزل‌ها انجام شد، حتی آن موقع ادعای آقای رئیس‌جمهور این بود که اینها به‌طور طبیعی منعزل شده‌اند و کنار رفته‌اند که ما مجلسی‌ها قبول نداشتیم، چون ادغامی صورت نگرفته و اتفاق جدیدی از نظر حقوقی و قانونی نیفتاده است، آقای رئیس‌جمهور می‌تواند اینها را عزل کند یا آنها استعفا بدهند و آقای رئیس‌جمهور بپذیرد، اما این‌طور نیست که بگوید چون وزارت‌خانه آنها از بین رفته است آنها منعزل شده‌اند. هنوز هم ما مدعی هستیم که وزارت نفت، وزارت نیرو و وزارت رفاه سر جایشان هستند و نهایتاً بحث‌هایی که کردیم به همین نتیجه رسیدیم و دولت هم قانع شد، اما سه تا از وزارت‌خانه‌ها بی‌وزیر شدند. وزارت مسکن و وزارت راه زمانی ادغام شدند که وزیر راه در مجلس استیضاح شد و استیضاحش رأی آورد، شاید بعدازظهر آن روز یا روز بعد بود که رئیس‌جمهور اعلام کردند که وزارت راه کلاً در وزارت مسکن ادغام شود، یعنی احساس عمومی مجلس این شد که بیشتر وزرا دارند ادغام می‌شوند تا وزارت‌خانه‌ها. بر همین اساس چند وقت قبل تقریباً ۲۰۰ نفر از نماینده‌ها طرحی را امضا کردند تا عملاً ادغام‌ها را به تأخیر بیندازند و متوقف کنند، بعد با دولت مذاکره کردیم و قرار شد فعلاً به حداقل‌ها اکتفا کنیم و تفاهمی که کردیم همین سه وزارت‌خانه جدید بود، یکی وزارت راه و شهرسازی، دیگری وزارت رفاه و کار بود که البته دولت قبول کرد که تعاون را با آنها ادغام کند و سومی هم وزارت صنایع و بازرگانی. گفتیم وزارت انرژی هم منتفی شود، چون کار بسیار سنگین و پرهزینه‌ای است و نیاز به بحث‌های زیادتری دارد. این آخرین تفاهم ما بود. چند روز قبل دولت لایحه‌ای را برای مجلس فرستاد، اما گفتند اشکالات مختصری دارد و می‌خواهیم آن را بگیریم، چون آن را اعلام وصول نکرده بودیم دستی آن را پس گرفتند که منتظر هستیم آن لایحه را به مجلس بیاورند. اینها حاشیه‌های قضیه را زیاد می‌کند.

من هنوز هم اعتقاد ندارم که قطعاً بگویم خدای نکرده آقای سجادی با گروه انحرافی زد و بندی داشته است، اما در مجلس سئوالاتی شد، چون برای مجلس مسئله گروه انحرافی خیلی مهم و حساس هست و احساس می‌کند حتماً باید دقت و مراقبت کند که گروه انحرافی حوزه نفوذش را گسترش ندهد و ظرف مدت کوتاه آینده باید این حوزه جمع شود و نظام و مملکت نمی‌تواند دائماً مواظبت کند که این گروه انحرافی کجا رفت و چه شد. متأسفانه آقای سجادی نتوانستند دفاع قوی‌ای از عدم وابستگی‌شان کنند. باز هم تکرار می‌کنم هنوز هم این اعتقاد را ندارم که آقای دکتر سجادی به آن گروه انحرافی وابسته باشد و تفاهم کرده باشد و وعده و وعیدهایی به هم داده باشند. من این ادعا را ندارم، باور هم ندارم، اما عکس این موضوع که آقای سجادی بتوانند قاطعانه آن را نفی کنند، یا نخواستند، یا اجازه نداشتند که به هر دلیلی نتوانستند. نامه مفصلی که رئیس‌جمهور برای معرفی وزیر داده بودند، ارتباطی به معرفی وزیر نداشت. همه اینها اثر گذاشت و مجموعه این مسائل باعث شد که آقای سجادی نتوانستند از مجلس رأی اعتماد بگیرند. قاعدتاً همه اینها آن حاشیه‌ها را دارد. با توجه به اینکه من هنوز به‌شدت علاقمند به آقای رئیس‌جمهور هستم از ایشان می‌خواهم، آرزو و دعا می‌کنم که ایشان زودتر تکلیف گروه انحرافی را روشن کند و این مسئله در مملکت باقی نماند و دوستانی را که داشته و دارد همین‌جور نگران و دغدغه‌دار باقی نگذارد. تکلیف دولت و جریانی که در خودشان دارند و ان‌شاءالله این گروه انحرافی زودتر روشن شود.

❁ رییس جمهور هم که در مصاحبه مطبوعاتی اخیرشان اعلام کردند درباره جریان انحرافی سکوت می‌کنند و وارد این قضیه نشدند.

بله.

❁ سئوال دیگری که در موضوع اخیر وزیر خارجه پیش آمد، دولت در طول این ٦ سال سابقه‌ای در مقاومت و ایستادگی روی تصمیماتش داشته، منتهی در قضیه آقای ملک‌زاده و وزارت خارجه این مقاومت نبود و در فاصله دو سه روز، وزیر خارجه در مقابل نظر نمایندگان تسلیم شد. خیلی وقت‌ها نمایندگان نظرات خود را ارائه می‌دادند، موضوعات مختلفی مخصوصاً در دو سال اخیر بوده که دولت مقاومت کرده و زمان برده است، یقیناً اثر منفی هم داشته است، ولی در این قضیه شاهد این مقاومت نبودیم. جناب‌عالی این موضوع را پیام مثبتی می‌دانید یا روش دیگری از کارهای جریان انحرافی برای اینکه به اهداف دیگرشان برسند؟

ما در هر صورت مأمور هستیم که رفتار دولت را حمل بر صحت کنیم و از این مسئله استقبال هم می‌کنیم، اما از آن طرف برای اولین بار بود که مجلس خیلی جدی وارد قضیه شد. علتش هم حساسیت مجلس نسبت به گروه انحرافی بود، در گذشته این‌طوری نداشتیم که برای یک اتفاق چنین شود. ضمن اینکه بزرگ‌ترین آرزوی آقایان استیضاح‌کننده‌ای که امضا کردند این بود که قبل از استیضاح مشکل حل شود، یعنی هیچ‌کدام داعیه این را نداشتند که آقای دکتر صالحی را بردارند، اما احساسم این است که غیر از این راه دیگری وجود نداشت، به همین دلیل مجلس محکم وارد این قضیه شد و قاعدتاً جناب آقای رئیس‌جمهور و مجموعه سبک و سنگین کردند و به این نتیجه رسیدند که ابقاء آقای صالحی بیشتر نفع دارد تا اصرار بر ماندن آن فرد در دستگاه دیپلماسی کشور.

❁ آقای مصلحی در سخنرانی‌ای که چند روز گذشته داشتند، به عنوان مسئول اطلاعاتی کشور هشدار دادند که مسئولان مراقب اطرافیانشان و اقدامات تروریستی منافقین باشند. تحلیل جناب‌عالی از هشدار ایشان چیست؟ به نظر می‌آید ایشان ارتباطی را بین یکسری جریانات و جریان نفاق دیده‌اند.

نه، من این برداشت را نکردم. فکر می‌کنم هشدار آقای وزیر اطلاعات از همان هشدارهای معمولی و قدیمی بود که ایشان باید بدهند. البته خبرهایی که ما با توجه به فشارهای سنگینی که گروه نفاق و جاهای دیگر می‌آورد، داریم قاعدتاً آنها علاقمندند آخرین زور خودشان را بزنند، طبیعی است که در کشور باید هشیاری و هشدار وجود داشته باشد. من این هشدار را در همان راستا تحلیل می‌کنم.

❁ در موضوع انتخابات مجلس نهم که قرار است آخر امسال برگزار شود، یکسری اقداماتی در راستای وحدت انجام شده بود که مسائل سیاسی ابتدای امسال سایه‌ای را بر تلاش‌های وحدت انداخت، آیا مسوولیت انتخابات در مجموعه اصولگرایی با جامعتین است؟

از روز اول هم گفتیم که جبهه پیروان خط امام و رهبری سه بحث دارد، یکی اینکه ما وحدت اصول‌گرایان را زیر چتر جامعتین می‌بینیم و فقط در این می‌بینیم، قرار نیست از جای دیگری دستور بگیریم یا تفاهم کنیم. چتر کلی وحدت اصول‌گرایان را جامعتین برداشتند. با سابقه فعالیت‌های سیاسی‌مان در طول ۳۰ سال گذشته، با هر اسمی که بودیم چه جبهه پیروان خط امام و رهبری، چه تشکل‌های همسو و حتی جامعه مهندسین، مؤتلفه و دیگران در عمل نشان دادیم و ثابت کردیم که هماهنگ و همراه با جامعه روحانیت هستیم و به این امر افتخار می‌کنیم.

نکته دوم اینکه اصول‌گرایان در هر ساختاری که به وحدت رسیدند ما از آن ساختار تبعیت می‌کنیم که الان دارد آن ساختار شکل می‌گیرد. البته یک زمانی بحث بود و آقای رئیس‌جمهور هم در این قضایا فعال بودند، اما با توجه به روند مسائلی که پیش آمد و بعضی از جریان‌های انحرافاتی که در همین انتخابات تحت عنوان استمرار رئیس‌جمهور می‌خواستند دخالت کنند و حرف‌هایی از این قبیل، یک مقدار به چالش کشیده شد. آقای رئیس‌جمهور هم اعلام کردند که من به عنوان رئیس قوه مجریه نمی‌خواهم در انتخابات دخالت کنم، از این پیشنهاد رئیس‌جمهور به‌طور جدی استقبال کردیم و الان هم استقبال می‌کنیم و ایشان گفتند دولت یا مجموعه وابسته به دولت نباید فعالیت انتخاباتی در مجلس داشته باشد.

❁ وحدت مجموعه اصول‌گرایی را در چه مرحله‌ای می‌بینید؟ آیا به نظر شما بالاخره مثل جبهه متحد اصول‌گرایان در مجلس هشتم به یک فهرست واحد می‌رسند؟

به نظر می‌رسد ساختار به سمتی می‌رود که ان‌شاءالله حداکثر وحدت را در اصول‌گراها به وجود بیاوریم و با هم جمع شویم. هر چند روزهای آخر خود را می‌گذراند و به زودی ساختار مشخص خواهد شد و سخنگوی جامعه روحانیت یا جامعه مدرسین اعلام خواهد کرد که آخرین تصمیمات چه خواهد شد. البته ما هیچ وقت وحدت صد در صدی نداریم، هیچ موقع نداشتیم. بالاخره در انتخابات مجلس هشتم در کنار جبهه متحد اصول‌گرایی گروه‌های دیگری آمدند فعالیت هم کردند و بعضی جاها توفیقاتی هم داشتند، اما در مجموع وحدت اصول‌گرایی و جبهه متحد اصول‌گرایی موفق بود. فکر می‌کنیم این دوره آن توفیق را خواهد داشت، ان‌شاءالله شاید هم زودتر. البته باید مواظب باشیم، الان با دو جریان روبرو هستیم؛ یکی جریان فتنه و دیگری جریان انحراف. خبرهایی می‌رسد که اینها دارند به سرعت به هم نزدیک می‌شوند، یعنی ممکن است نهایتاً یک رقیب داشته باشیم، اما الان محاسبه می‌کنیم که دو رقیب داریم. هیچ کدام از اینها نباید ما را از دیگری غافل کند، جریان فتنه بسیار عظیم بود و باید مواظبت کنیم، جریان انحراف هم جریانی است که الحمدلله بهتر از فتنه شد، چون زودتر شناسایی شد و این جزو الطاف خفیه الهی بود. والا شاید بعضی از اینها تصورشان این بود که مجلس را تصرف و بعداً دستشان را رو کنند. خدا کمک کرد و اتفاقاتی افتاد که دست اینها زودتر رو شد. بنابراین جبهه فتنه را رقیب می‌دانیم، نه رقیب خودمان، بلکه رقیب نظام می‌دانیم. جریان انحرافی را لطمه اساسی به نظام می‌دانیم، احتمالاً اینها به هم نزدیک می‌شوند و دارند نزدیک می‌شوند، خبرهایش را داریم، اما در هر صورت باید مواظب هر دو گروه باشیم و هیچ کدامشان تحت تأثیر دیگری قرار نگیرد. این‌قدر روی فتنه متمرکز شویم که از جریان انحرافی غفلت کنیم یا برعکس این‌قدر جریان انحرافی را اصلی کنیم که خدای نکرده از جریان فتنه غفلت کنیم.

❁ جبهه پیروان هم ستاد جداگانه‌ای دارد که بحث ریاست جناب‌عالی یا آقای متکی در آن مطرح شد؟

اصلاً ریاستش مهم نیست، آقای متکی از قدیم عضو جبهه بوده‌اند. ایشان مدت‌ها عضو جبهه بوده‌اند و این مدتی که فاصله گرفتند به دلیل اساس‌نامه وزارت خارجه بود، ایشان وزیر امور خارجه بودند و در اساس‌نامه وزارت خارجه صراحتاً آمده است که کارمندان و مسئولین وزارت خارجه نباید در احزاب باشند. بعد از اینکه مأموریتشان در وزارت خارجه تمام شد، سر جایشان برگشتند و دارند در مجموعه جبهه فعالیت می‌کنند، من هم در مجموعه جبهه دارم کار می‌کنم.

ما وحدت اصول‌گرایان را زیر چتر جامعتین می‌بینیم و فقط در این می‌بینیم، قرار نیست از جای دیگری دستور بگیریم یا تفاهم کنیم. چتر کلی وحدت اصول‌گرایان را جامعتین برداشتند

❁ در فرآیند وحدت آیا فقط تشکل‌های اصول‌گرا در نظر گرفته می‌شوند یا افرادی که اصول‌گرا شناخته می‌شوند، ولی در تشکلی عضو نیستند هم محسوب می‌شوند؟

تلاش ما این است که حداکثر اصول‌گراها را با هم جمع کنیم. بعضی‌ها تشکل، گروه، حزب و تشکیلات دارند، بعضی‌ها حوزه نفوذ دارند، یعنی ممکن است تشکیلات رسمی نداشته باشند، ولی یک حوزه نفوذ قابل توجهی دارند، سعی می‌کنیم همه اینها را با هم جمع کنیم.

❁ سئوال آخر متفاوت از همه سئوالاتی که مطرح کردم است. این روزها یکسری اجلاس‌ها و همایش‌ها در خصوص سالگرد شهدای هفتم تیر برگزار می‌شود و همایشی هم با عنوان «جهان بدون تروریسم» برگزار شد که با پیام مقام معظم رهبری همراه بود. در ادامه، هشتم شهریور را داریم که روز مبارزه با تروریسم است. جناب‌عالی هم از خانواده‌هایی هستید که در آن شهید باهنر یکی از قربانیان حادثه تروریستی در نظام جمهوری اسلامی هستند. تحلیل جناب‌عالی از پیام مقام معظم رهبری به اجلاس جهانی ضد تروریسم چیست؟

ما اصولاً انقلابمان را ضمن اینکه مردم پشت سر حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری تلاش بسیاری کرده‌اند، یکی از مظلوم‌ترین انقلاب‌های عالم می‌دانیم. انقلاب ما تفاوت‌های زیادی با سایر انقلاب‌ها دارد. یکی از تفاوت‌های اساسی همین مظلومیتش است. ما بیشترین قربانی را در جریان‌های تروریستی داده‌ایم، متأسفانه نظام بین‌الملل که خودش بعداً حامی تروریسم شد، البته نمی‌خواهم بگویم کل نظام بین‌الملل مثلاً امریکای جنایتکار و رژیم صهیونیستی که خودشان یک سیستم تروریستی رسمی را در دنیا مدیریت می‌کنند و هر جا هم که کم می‌آورند تأسیس می‌کنند، مدعی مبارزه با تروریسم شده‌اند. جالب است اینها می‌خواهند کشورها و ملت‌هایی را که مظلوم هستند و بیشترین ضربه را از تروریسم خورده‌اند متهم به حمایت از تروریست کنند. نمی‌خواهم خیلی به سابق برگردم. ممکن است نسل‌های امروز انقلاب ما حوادث اوایل انقلاب را ندیده یا به‌درستی حس نکرده باشند، اما هنوز زمان زیادی از داستان تروریستی القاعده و طالبان و ۱۱ سپتامبر را که بالاخره راستی آزمایی‌اش را اجازه ندادند انجام شود و ما هنوز تلاش می‌کنیم که دنبال کنیم و ریشه‌های جریان ۱۱ سپتامبر را در آوریم، نگذشته است. زمانی که طالبان و القاعده شکل می‌گرفت و نطفه‌اش منعقد بود، تقریباً همه عالم می‌دانستند که ساخته و پرداخته امریکاست. آنها با هدف دیگری این کار را شروع کردند، هدفشان منکوب کردن چهره اسلام‌خواهی در دنیاست، چون اصلی‌ترین رقیبی که احساس می‌کنند اسلام و مسلمانان و ام‌القراء آن، ایران اسلامی می باشد؛ ضمن اینکه قیام‌های منطقه و اتفاقات دیگر را می‌بینید که خیلی از بذرهایی که انقلاب پاشیده است امروز دارد به ثمر می‌نشیند. اینها برای اینکه چهره‌ای مخدوش از اسلام را عرضه کنند، داستان القاعده و طالبان را بر مبنای ایدئولوژی سَلَفی‌ها درست کردند که بگویند اسلام یعنی این؛ اسلام آن است که زن را خانه‌نشین می‌کند، اسلام آن است که با تلویزیون مخالف است، اسلام آن است که ترور را حلال و واجب می‌داند و.... البته الان دیگر برگی ندارند و همه عالم و آدم این را می‌دانند. امروز تقریباً همه ملت‌ها به نتیجه رسیده‌اند که اگر غرب اراده‌ای در جهت برچیدن تروریسم در دنیا داشت، خیلی زودتر می‌توانست این کار را انجام بدهد. همین امروز دولت افغانستان برای اینکه حمایت‌های امریکا را داشته باشد، مجبور می‌شود در مقابل تروریست‌ها با تسامح و تساهل و گذشت برخورد کند. در واقع داستان تروریستی یک طرف معامله با کشورهای منطقه شده است. آنها این کارهای عجیب و غریب را انجام می‌دهند و باز هم مدعی هستند که در حال مبارزه با تروریسم هستیم.

من فکر می‌کنم موقعیت بسیار مناسبی بود و لازم بود که این همایش را داشته باشیم و پیام مقام معظم رهبری هم کاملاً روشن، روان و مشخص بود. امید داریم ان‌شاءالله به زودی دنیایی بدون تروریسم داشته باشیم. البته آدم فکر می‌کند این مترادف خواهد بود با اینکه دنیای بدون تروریسم نمی‌تواند رژیم صهیونیستی را داشته باشد، دنیای بدون تروریسم نمی‌تواند زورگویی‌های حکام امریکا را داشته باشد، دنیای بدون تروریسم نمی‌تواند حتّی دوگانه‌انگاری شورای امنیت و سازمان ملل را داشته باشد. اگر بنا باشد دنیایی بدون تروریسم را داشته باشیم که ان‌شاءالله خواهیم داشت، در بسیاری از این ساختارها باید تجدیدنظر شود.

چند نکته از این مصاحبه

❁ من مزاحی می‌کردم که البته خارج از جدی هم نبود و می‌گفتم: «علی‌رغم اینکه ما اصول‌گراها در دولت نهم همگی دست به دست هم دادیم که شکست بخوریم، اما خدا نخواست»

❁ از آقای احمدی‌نژاد شنیدم که گفت: «من به دنبال ژنرال‌ها نیستم. من نمی‌خواهم ژنرال در کابینه بیاورم». بعدها مشخص شد که گفت من می‌خواهم سرباز بیاورم.

❁ ما با آقای احمدی‌نژاد یک تعامل نانوشته داشتیم و آن اینکه هر کداممان به وظیفه‌های قانونی‌مان عمل کنیم و دوستی و رفاقت مانع از انجام وظایفمان نباشد.

❁ از آقای احمدی نژاد سئوال کردم در مجموعه اداره مملکت تئوری اقتصادی‌تان چیست؟ ایشان به این مضمون می‌گفت من کاری به تئوری و این حرف‌ها ندارم.

❁ آقای احمدی‌نژاد سال ۸٤ با آقای احمدی‌نژاد امروز شاید فرقی نکرده باشد و اطلاعات ما در باره ایشان بیشتر شده باشد.

❁ متأسفانه همین‌طور که جلو رفتیم معلوم و احساس شد که آقای احمدی‌نژاد برای تشخیص شخصی خود بیش از قانون اهمیت قائل است و بیشتر تلاش می‌کند به تشخیص‌های خودش عمل کند.

❁ جناب رئیس‌جمهور خیلی از تصمیماتی را که شخصاً می‌گرفتند اجرا می‌کردند حالا چه قانونی بودند و چه نبودند. کم‌کم یک مقدار طومار خلافکاری‌هایی که ایشان انجام داده است و دارد انجام می‌دهد، طولانی شد.

❁ با صحبتی که با خود آقای دکتر صالحی کردیم، ایشان هم به ما می‌گفت که چاره‌ای ندارم و باید این کار را انجام دهم.

❁ جناب آقای رئیس‌جمهور و مجموعه سبک و سنگین کردند و به این نتیجه رسیدند که ابقاء آقای صالحی بیشتر نفع دارد تا اصرار بر ماندن آن فرد در دستگاه دیپلماسی کشور.

❁ از جریان فتنه و جریان انحراف خبرهایی می‌رسد که اینها دارند به سرعت به هم نزدیک می‌شوند.

❁ در عمل نشان دادیم و ثابت کردیم که هماهنگ و همراه با جامعه روحانیت هستیم و به این امر افتخار می‌کنیم.

می گوید ۲۷ سال است با احمدی نژاد رفاقت دارد، رفاقتی که از تقریباً همان اوایل شکل گرفته و به جامعه اسلامی مهندسین و کار تشکیلاتی رسیده و بعد از آن احمدی نژاد رئیس جمهور شده است.

محمدرضا باهنر همان سیاست مدار آرام و متین است که سالهاست در مجلس شورای اسلامی حضور دارد و به گفته بسیاری از سیاستمداران نظام، چهره ای تاثیرگذار است. او در تشکیل شورای هماهنگی نیروهای انقلاب نقشی جدی ایفا کرد و در بازگشت گفتمان اصولگرایی به کشور بخصوص در انتخاباتهای مجلس هفتم و هشتم یکی از چهره های محوری بود.

هم حزبی سابق احمدی نژاد در این گفت و گو بی پرده و صریح در باره وی می گوید: آقای احمدی نژاد سال ۸٤ با آقای احمدی نژاد امروز شاید فرقی نکرده باشد اما اطلاعات ما در باره ایشان بیشتر شده است.

بررسی فضای فعلی دولت، مجلس و انتخابات مجلس نهم از مهمترین محورهای گفت و گوی هفته نامه شما با نایب رئیس اول مجلس و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

گفت و گو: سید حامد حسینی